

حکمت

امام سجاده (ع)

صحیفه سجاده‌دعای ۲۱



خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و مرا نسبت به یاد خود در آنچه به من عطا کردی، فراموش کار مکن؛ و به احسانت در آنچه به من بخشیده‌ای، غافل و بی‌خبر مساز و از اجابت دعایم گرچه تأخیر افتد، ناامید مکن

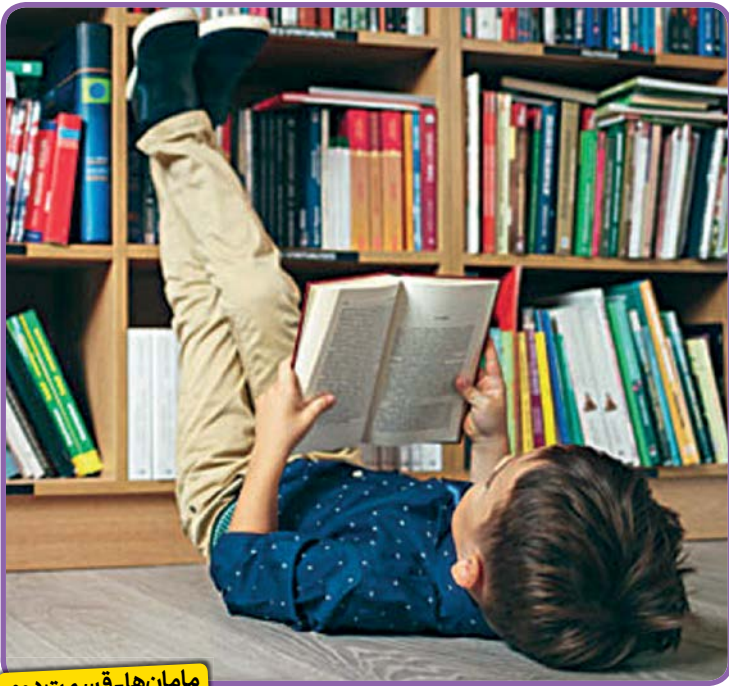
چگونه می‌توانیم فرزندانمان را اهل مطالعه بار بیاوریم؟

همبازی با کتاب

تصویری از فرزندان کتابخوانی که خودشان بخشی از اوقات فراغت‌شان را به خواندن کتاب و مطالعه بگذرانند، شاید دغدغه بسیاری از والدین و خانواده‌ها باشد. اما سوال این است که چرا کتاب خواندن از نگاه برخی از کودکان کار جذابی به نظر نمی‌رسد؟ یا حتی گاهی سخت؟ اصلاً چرا برخی از کودکان سخت کتاب خوان می‌شوند؟ البته که نمی‌توان منکر این موضوع شد که خواندن کتاب کار ساده‌ای نیست و همین دلیل کافی است که بسیاری از کودکان و نوجوانان و یا حتی بزرگسالان به سمت آن گرایش پیدا نمی‌کنند؛ آنقدر که حتی جزو اولویت‌ها و گزینه‌های اولیه‌شان نیست. شاید برای همین است که فعالیت‌های دیگری مانند تماشا کردن تلویزیون یا بازی کردن و گذران وقت در فضای مجازی انتخاب بسیاری از نوجوانان است. اما واقعاً چطور می‌توانیم به آن تصویری ایده‌آل که فرزندمان کتاب به دست در حال استراحت است، برسیم؟ سوالی که از منصوره مصطفی‌زاده، مجری برنامه «مامان‌ها» و کارشناس کتاب کودک پرسیدیم و جواب‌های خوبی هم گرفتیم. منصوره مصطفی‌زاده، همان اول به سراغ واژه تمرکز می‌رود و معتقد است نخستین ویژگی لازم برای خواندن کتاب، داشتن تمرکز و فکر کردن خواهد بود؛ چرا که خواندن کتاب نیاز به این دارد که فکر یا خود درگیر شود. از طرف دیگر، چنین فرآیندی در مغز کار سختی است. پس نتیجه می‌گیریم تمرکز کردن و تأمل کردن جزو کارهای سخت محسوب می‌شود و وقتی به کسی گفته می‌شود کتاب بخوان یعنی از اومی خواهیم یک کار ساده فکر نکردنی را رها کند و به دنبال کار فکر کردنی برود؛ «بیاید قبول کنیم که ما هم برای کتاب خوان کردن فرزندمان کار سختی در پیش داریم».

آزاده باقری

روزنامه نگار



مامان‌ها - قسمت دوم

کتاب خواندن ذاتی نیست

با هر سبک و سلیقه‌ای و با هر دیدگاهی و هر گونه‌ای که بتوان انسان‌ها را در آن طبقه‌بندی کرد، می‌توانند کتابخوان باشد و با توجه به نوع طبیعت‌شان می‌تواند کتاب مورد علاقه‌اش را بیابد. چون کتابخوانی و موضوعاتی که در خود جای داده است بازه گسترده‌ای دارد و می‌توان هر کتابی را با توجه به ذائقه و علاقه هر فرد یافت. مثلاً کسی که به موضوعات علمی، موضوعات معمایی، موضوعات داستانی و روایی، موضوعات تخیلی و فانتزی و... علاقه دارد می‌تواند بر اساس آن علائق و سلاقی مختلف کتاب‌های مورد نظرش را انتخاب و مطالعه کند. در نتیجه نمی‌توان گفت کتاب دارای محدودیت خاصی است و علاقه به آن به ذات درونی افراد بستگی دارد. که البته مصطفی‌زاده تأکید می‌کند کودکانی که تمرکز پایینی دارند یا دارای اختلالات اینچنینی‌اند کتابخوانی برایشان سخت‌تر خواهد بود و در این زمینه باید زمان بیشتری برای آنها گذاشته شود. چون همین کتاب خواندن نیز کمک می‌کند تا بتوانند از این طریق به میزان زیادی تمرکز خود را بالا ببرند. اما محیط یک خانواده به شکل کاملاً مستقیمی به بالا بردن علاقه کودکان نسبت به خواندن کتاب اثر می‌گذارد و بیشتر از هر موضوعی باید به این بخش پرو بال داده شود. در این صورت است که می‌توان امیدوار بود به صورت خودجوش کودک نیز به سمت خواندن کتاب برود و بخشی از اوقات فراغت خود را به آن اختصاص دهد.

ذهن مصرف‌کننده سخت کتابخوان می‌شود

با وجود آنکه کتاب خواندن هم دارای لذت‌های مخصوص به خودش است اما لذتی که در کارهایی مانند در دست گرفتن گوشی، بازی کردن، تلویزیون دیدن و... وجود دارد، با آن قابل مقایسه نیست. کارهایی از این دست، نه تنها نیاز به تفکر و تأمل خاصی ندارد بلکه حتی نیاز به فعالیتی خاص و تحلیل هم ندارد، بنابراین طبیعی است فرد بیشتر از همیشه به سمت مصرف‌کننده بودن سوق پیدا کند. در صورتی که وقتی کتابی خوانده می‌شود، در ذهن باید تصویرهایی ساخته شود، تحلیل‌هایی صورت گیرد و اگر کتاب داستانی باشد، خط داستانی در ذهن شکل بگیرد و این کارها برای ذهن به ویژه ذهنی که مصرف‌کننده بار آمده است سخت می‌شود. در نتیجه انتخاب ذهن انجام آن کار راحت‌تر خواهد بود، پس کتاب خواندن در اولویت انتخابی‌اش نیست و حتی در برابر آن مقاومت می‌کند. اما چه می‌شود که یک نفر کتابخوان می‌شود و لذت کتابخوانی را تجربه می‌کند و آن لذت برایش آنقدر ارزشمند می‌شود که قبول می‌کند برای ساعاتی هم که شده تمام توجه و فکر خود را معطوف به کتابی کند که در دست دارد؟ «درست مانند کسی که رفتن به کوه را انتخاب می‌کند و مشقت صبح زود بیدار شدن و از موانع و سربالایی و سرپایینی عبور کردن را به جان می‌خرد برای آن که از نظر او کار لذتبخشی است.» مجری برنامه «مامان‌ها» شکل‌گیری این علاقه در کودکان را مربوط به محیطی می‌داند که کودک در آن رشد و نمو می‌کند و می‌گوید اصولاً کودکان از ابتدا کتابخوان به دنیا نمی‌آیند و هیچ بچه‌ای کتابخوان زاده نمی‌شود. بنابراین خیلی واضح است هر چقدر محیط خانه‌ای، کتاب دوست‌تر باشد، عادت کودک به کتابخوانی راحت‌تر می‌شود. یعنی قبل از هر کار دیگری پدر و مادر اهل کتاب و مطالعه باشند؛ در این شرایط است که می‌توان امیدوار بود کودک هم به سمت خواندن کتاب گرایش پیدا کند.

چطور می‌توانیم محیط خانه را به فضایی کتابخوان تبدیل کنیم؟

چرب و ناسالم که در میان این همه غذاهای هیجان‌انگیز و اشتها برانگیز، ظرف سالاد سبزیجات نیز وجود دارد. مشخص است کودکی که در مقابلش این میز قرار دارد هرگز به سمت ظرف سالاد سبزیجات نمی‌رود و به آن نگاه هم نمی‌اندازد. اما اگر روی همین میز غذاهای مفید و سالم بیشتری وجود داشته باشد، کودک با هر مقاومتی می‌پذیرد تا سالاد سبزیجات را هم بخورد. در کتابخوانی هم همین اتفاق به وجود می‌آید. در یک خانه باید محیطی به وجود بیاید که آن محیط، محیطی کتاب دوست باشد. محیط کتاب دوست یعنی این که برای خواندن کتاب زمان گذاشته شود. مکانی برای کتاب خواندن در نظر گرفته شود و همچنین تنوع کتاب‌های موجود زیاد باشد. در این زمان است که می‌توان عادت کتابخوانی را برای کودک به وجود آورد. به شرط آن که خود والدین هم رفتاری کتابخوان داشته باشند.

منصوره مصطفی‌زاده، در توضیح فضای خانه‌ای که به سمت کتاب دوست بودن پیش می‌رود، بیان می‌کند در کنار این محیط والدین هم باید یک دیگر فرزندان‌شان را تشویق به استحکام این محیط کنند. «مثلاً اگر شما در محیطی باشید که دارای کنسول بازی است، تبلت همیشه در اختیار است و در دل خود، بازی‌های فراوان دارد و موبایلی باشد که از طریق آن دسترسی به فضای مجازی به طور همیشگی وجود دارد، پس بدون شک انتظار غلطی است که بخواهیم کودک همه این گزینه‌ها را رها کند و کتاب بخواند! بسیار واضح و طبیعی است هیچ کودکی در این محیط تمایلی به سمت خواندن کتاب نخواهد داشت. اما یکی از روش‌هایی که می‌توان کودک را به خواندن کتاب تشویق کرد این است که سرگرمی‌های موجود محدود شود. مصطفی‌زاده در این زمینه مثال می‌زند که روی آن پر است از غذاهای خوشمزه؛ اما